

# رشد در خداوند

نوشته: هومر دونکن  
مترجم: ط. میکائیلیان

- فصل اول: رشد در خداوند ..... ۲
- فصل دوم: روح القدس ..... ۴
- فصل سوم: عادل به وسیله ایمان زندگی خواهد کرد ..... ۶
- فصل چهارم: کلام نوشته شده خدا ..... ۸
- فصل پنجم: مطالبی درباره گناه ..... ۱۰
- فصل ششم: دو قیام ..... ۱۲
- فصل هفتم: امتحان به وسیله خداوند ..... ۱۴
- فصل هشتم: دو نوع خدمت مسیحی ..... ۱۵

این کتاب مخصوصاً برای مسیحیان نوشته شده است تعلیمات حیاتی که برای یک مسیحی جدیدالایمان لازم است در این کتاب به زبان ساده تشریح شده است. اگر عیسای مسیح را به عنوان خداوند و نجات‌دهنده خود نپذیرفته‌اید از خواندن این کتاب استفاده‌ای نخواهید برد. این کتاب به کسانی که در خانواده خدا متولد شده‌اند می‌آموزد که چگونه می‌توانند زندگی مسیحی داشته باشند.

## فصل اول: رشد در خداوند

مسیحی کسی است که مسیح را داشته باشد (اول یوحنا ۵: ۱۲). کسی نمی‌تواند به این دلیل مسیحی باشد که عضو کلیسایی است و یا در یک مؤسسه مذهبی شرکت دارد. پیروی مسیح و کوشش برای شبیه شدن به او ما را مسیحی نمی‌سازد فقط وقتی مسیحی می‌شویم که مسیح را به عنوان نجات‌دهنده شخصی خود قبول کنیم. مسیحی فرزند خداست، زیرا در خانواده خدا متولد شده است (یوحنا ۳: ۳-۷). مسیحی کسی است که گناهان او به خاطر مسیح بخشیده شده (اول یوحنا ۲: ۱۲) و در مسیح پذیرفته شده است (افسیان ۱: ۶). عدالت کامل مسیح را پوشیده است (فیلیپان ۳: ۹). مسیحی بودن بهترین و باشکوه‌ترین چیزی است که در دنیا وجود دارد، ولی در عین حال مسیحی بودن پایان کار نیست، بلکه وسیله‌ای است برای رسیدن به هدف. تولد تازه نجات را تمام نمی‌کند، بلکه شروع آن است. بعد از اینکه به وسیله ایمان عادل شمرده شدیم باید به وسیله ایمان زندگی کنیم (رومان ۱: ۱۷). وقتی در خانواده خدا متولد می‌شویم در مسیح کودک هستیم (اول پطرس ۱: ۲۳)، ولی نباید کودک بمانیم، بلکه باید در فیض و معرفت مسیح رشد کنیم (دوم پطرس ۳: ۱۸).

مقصود خدا از نجات ما فقط این نیست که ما را از جهنم آزاد سازد و بعد از مرگ به بهشت ببرد، بلکه می‌خواهد ما را شبیه فرزند خود یعنی مسیح بسازد. ما نه فقط باید ادعا کنیم که مسیحی هستیم، بلکه باید شاگرد واقعی مسیح باشیم. نه فقط باید به سوی خدا بیاویم، بلکه باید در او رشد کنیم (عبرانیان ۶: ۱). راز زندگی مسیحی پر از شادی و پیروزی این است که اجازه دهیم مسیح در ما زندگی کند و خود را توسط ما به دیگران بنمایاند. باید یاد بگیریم که به ثروت معنوی و قدرت مسیح دسترسی داشته باشیم. برای اینکه بتوانیم در خداوند رشد کنیم باید در زندگی خود اصول را که در کلام خدا ذکر شده رعایت نماییم. این کتاب بعضی از اصول زندگی مسیحی را به ما تعلیم می‌دهد. برای اینکه بتوانیم زندگی موفقیت‌آمیز مسیحی داشته باشیم، باید دو موضوع اساسی را در نظر بگیریم. ما نه فقط باید در مسیح باشیم، بلکه باید با او رابطه واقعی داشته باشیم این حقیقت را با ذکر مثالی در مورد رادیو روشن می‌سازیم. برای اینکه یک رادیوی برقی به خوبی کار کند، هم باید آن را به برق وصل نماییم و هم باید ایستگاه مورد نظر را بگیریم. رادیو برای ما فایده‌ای نخواهد داشت مگر اینکه با منبع نیروی برق مربوط گردد. ما هم به همانطور بی‌فایده هستیم و در گناهان خود مرده‌ایم تا وقتی که به وسیله تولد تازه با خدا رابطه پیدا کنیم.

ولی کافی نیست که رادیو را به نیروی برق وصل نماییم، بلکه باید آن را میزان کنیم. اگر کاملاً میزان نشود یا ساکت خواهد ماند یا صداهای در هم برهم به گوش ما خواهد رسانید. زندگی عده زیادی از مسیحیانی که تولد تازه دارند ساکت یا پر از صداهای در هم برهم است، زیرا با خدا هماهنگی ندارند و میزان نشده‌اند. پولس رسول درباره دولت بی‌قیاس مسیح سخن می‌گوید (افسیان ۳: ۸). در این جهان هرگز نخواهیم توانست کاملاً بزرگی نجات خدا را درک کنیم. در همان لحظه‌ای که عیسای مسیح را به عنوان خداوند و نجات‌دهنده خود قبول نمودیم. خدا برای ما کاری کرد که از فهم ما بسیار بالاتر است. این نجات عظیم برای ما دو کار اصولی انجام می‌دهد:

- ۱- ما را در مسیح داخل می‌کند (این حقیقت در فصل اول افسسیان دوازده بار ذکر شده است)
- ۲- مسیح را در ما وارد می‌سازد (کولسیان ۱: ۲۷).

### در مسیح

وقتی می‌گوییم در مسیح مقصودمان چیست؟ چگونه می‌توانیم در مسیح باشیم؟ چطور در مسیح وارد می‌شویم؟ یک آیه از کتاب مقدس که از رساله اول پولس رسول به کلیسای قرنتس نقل می‌شود درک حقیقت فوق را برای ما آسان می‌سازد. پولس می‌فرماید چنانکه در آدم همه می‌میرند در مسیح نیز همه زنده خواهند گشت. (اول قرنتیان ۱۵: ۲۲). این آیه تمام بشر را به دو گروه تقسیم می‌کند، کسانی که در آدم هستند و کسانی که در مسیح می‌باشند. چگونه در آدم داخل شدیم؟ چگونه عضو نژاد آدم یا خانواده بشری گشتیم؟ جواب ساده است. ما جزو هر نژاد و رنگی که باشیم، به وسیله تولد جسمانی عضو خانواده بشری یا خانواده آدم گشته‌ایم. بنابراین به عنوان انسان طبیعتاً در آدم هستیم. پس چطور می‌توانیم در مسیح داخل شویم؟ همانطور که در آدم داخل شدیم در مسیحیت باید تولد ما تولد جدید و روحانی باشد. وقتی به وسیله ایمان عیسای مسیح را در قلب خود می‌پذیریم، به وسیله روح خدا تولد جدید

پیدا می‌کنیم. در همین لحظه روح القدس ما را در بدن مسیح تعمید می‌دهد (اول قرن‌تین ۱۲: ۱۳).

### مقام و حالت

هر ایمانداری در مسیح مقام کاملی دارد. در مسیح کامل است (کولسیان ۲: ۱۰). وقتی مسیحی می‌شویم خدا دیگر ما را در گناهانمان نمی‌بیند، بلکه ما را در مسیح کامل می‌بیند. ما دیگر لباس‌های کثیف و پاره پاره عدالت شخصی خود را در بر نداریم (اشعیا ۶۴: ۶)، بلکه عدالت کامل مسیح را پوشیده‌ایم (رومیان ۱۰: ۱-۴)، (مکاشفه ۱۹: ۸). مقام ما در حضور خدا کامل است و احتیاجی به اصلاح ندارد، با این حال وضع واقعی ما بر روی زمین مانند مقام ما در حضور مسیح کامل نیست. در این دنیا زندگی ما پر از اشتباه و شکست است. هنوز هم در اثر شکها و ترس‌ها دچار ناراحتی می‌شویم. گناهانمان غالباً باعث غم و اندوه خودمان و خداوندان می‌شود. ما متوجه می‌شویم که هر چند فرزند خدا هستیم اغلب مانند فرزندان خدا رفتار نمی‌کنیم. وقتی نجات می‌یابیم و سیرت تازه پیدا می‌کنیم و در طبیعت الهی شریک می‌شویم (دوم پطرس ۱: ۴)، ولی حیف که هنوز هم طبیعت شریر و گناهکار آدم در ما باقی است. کشمکش عظیمی در روح ما وجود دارد (رومیان ۷: ۱۲-۲۵). میل و اراده خدا این است که حالت ما بر روی زمین مانند مقام ما در مسیح کامل باشد. بعداً در همین کتاب خواهیم فهمید که چگونه می‌توان بر گناه غالب شد. متوجه خواهیم شد که سر زندگی پیروزمند به طور دائم چیست.

### مسیح در شما

نه فقط ما در مسیح هستیم، بلکه مسیح هم در ماست. وقتی با ایمان مسیح را در قلب خود پذیرفتیم او در آنجا ساکن شد. ما اکنون حیات ابدی داریم، زیرا خود مسیح حیات است (یوحنا ۵: ۲۴). حالا زندگی مسیحی داریم، زیرا اجازه داده‌ایم مسیح در ما زندگی کند. مسیحیت یعنی مسیح. ما به وسیله یک عقیده مخصوص، به وسیله کلیسا، به وسیله تشریفات نجات نیافته‌ایم، بلکه به وسیله مسیح زنده. جبرئیل فرشته وقتی تولد عیسی را اعلام می‌کرد به یوسف گفت: نام او را عیسی خواهی گذاشت، زیرا که او امت خویش را از گناهانشان خواهد رهانید (متی ۱: ۲۱). مسیح خودش نجات‌دهنده است. ما به وسیله مرگ فرزند خدا یعنی مسیح با خدا مصالحه کرده‌ایم و حالا روز به روز به وسیله حیات مسیح زنده نجات می‌یابیم (رومیان ۵: ۱۰). ما به وسیله حیات او نجات یافته‌ایم، زیرا او در ما زندگی می‌کند و خود را به وسیله ما نشان می‌دهد. عیسیای مسیح علاوه بر اینکه نجات‌دهنده است خداوند نیز است. وقتی او را به عنوان خداوند خود می‌پذیریم به وسیله حیات او نجات پیدا می‌کنیم.

روح القدس سومین اقنوم تثلیث اقدس است. روح القدس شخصیت دارد، زیرا می تواند سخن بگوید (اول تیموتاؤوس ۴: ۱) و می تواند تعلیم بدهد (اول قرنتیان ۲: ۱۳) و می تواند رهبری کند (رومیان ۸: ۱۴) و می تواند غمگین شود (افسسیان ۴: ۳۰). روح القدس الوهیت دارد، زیرا روح خدا نامیده می شود و غالب جاها در کتاب مقدس شبیه پدر و پسر است. به یک معنی روح القدس را می توان روح عیسی خواند. عیسی در ما به وسیله روح القدس زندگی می کند. روح القدس در همان لحظه ای که انسان به مسیح ایمان می آورد چهار کار برای او انجام می دهد. اولاً روح القدس به او تولد تازه می دهد و او را خلقت تازه ای می سازد (یوحنا ۳: ۱-۷). ثانیاً روح القدس در ما ساکن می شود (اول قرنتیان ۶: ۱۹). ثالثاً روح القدس او را در بدن مسیح تعمید می دهد (اول قرنتیان ۱۲: ۱۳). به وسیله این عمل شخص ایماندار با مسیح و سایر اعضای بدن او متحد می شود. رابعاً روح القدس او را تا روز رستگاری مهر می کند (افسسیان ۴: ۳۰). علاوه بر اینها هر مسیحی باید دائماً پر از روح القدس بشود (افسسیان ۵: ۱۸).

مسیحیان اولیه بارها پر از روح القدس می شوند (اعمال رسولان ۲: ۴ و ۴: ۸ و ۳۱ و ۷: ۵۵ و ۹: ۱۷). معنی پر شدن از روح القدس این است که به وسیله او اداره شویم، یک نفر مسیحی که پر از روح القدس باشد مسیحی نیرومندی است. برای اینکه بتوانیم پر از روح القدس بشویم، مسیح دو شرط تعیین فرموده است. در انجیل یوحنا چنین می خوانیم: در روز آخر که روز بزرگ عید بود عیسی ایستاده ندا کرد و گفت هر که تشنه باشد نزد من آید و بنوشد. کسی که به من ایمان آورد چنانکه کتاب می گوید از بطن او نهرهای آب زنده جاری خواهد شد، اما این را گفت درباره روح که هر که به او ایمان آورد او را خواهد یافت، زیرا که روح القدس هنوز عطا نشده بود، چونکه عیسی تا به حال جلال نیافته بود. (یوحنا ۷: ۳۷-۳۹). اولین شرط پر شدن از روح القدس عبارت است از تشنگی. باید تشنگی و علاقه شدیدی به پری روح القدس داشته باشیم. دومین شرط عبارت است از اعتماد. باید اعتماد کامل داشته باشیم که خدا ما را پر از روح القدس خواهد کرد.

همانطور که به وسیله ایمان عیسی را به عنوان نجات دهنده خود پذیرفتیم، پری روح القدس را هم باید به وسیله ایمان قبول کنیم. وقتی گناه می کنیم روح القدس را از دست نمی دهیم، ولی قدرت روح القدس در ما از بین می رود. وقتی اجازه می دهیم گناه اقرار نشده ای در قلب ما باقی بماند روح القدس غمگین می شود. روح القدس ما را متوجه گناهان می سازد (یوحنا ۱۶: ۸) و به ما قدرت می دهد که بر گناه غلبه کنیم (رومیان ۸: ۱۳). بزرگترین کار روح القدس عبارت است از جلال دادن مسیح (یوحنا ۱۶: ۱۴). او این کار را به وسیله ظاهر ساختن مسیح به ما به وسیله ما انجام می دهد. او آنچه را که مال مسیح است می گیرد و به ما می آموزد (یوحنا ۱۶: ۱۴). اسرار عمیق خدا را به ما تعلیم می دهد (اول قرنتیان ۲: ۱۰). وقتی پر از روح القدس باشیم مسیح زنده در زندگی ما ظاهر می شود. روح القدس به ما جرأت و قوت می دهد که شاهد مسیح باشیم (اعمال رسولان ۱: ۸).

مسیحی نباید جسمانی باشد، بلکه باید در روحانیت قدم بزند (غلاطیان ۵: ۱۶). اعمال جسم کارهایی است که انسان طبیعی به آنها علاقه دارد مانند زنا و فسق و ناپاکی و فجور و بت پرستی و جادوگری و دشمنی و نزاع و کینه و خشم و تعصب و شقاق و بدعت ها و حسد و قتل و مستی و لهب و لعب و امثال اینها (غلاطیان ۵: ۱۹-۲۱). ممکن است مسیحی پایش بلغزد و به بعضی از این گناهان آلوده شود. وقتی اینطور شد رابطه و صمیمیت خود را با خدا از دست می دهد. در این صورت می تواند گناه خود را اقرار کند و از آن خلاصی یابد (اول یوحنا ۱: ۹). اگر قلب خود را سخت کند و گناه خود را اقرار ننماید خداوند او را تنبیه خواهد کرد. اگر کسی خود را مسیحی بخواند و پیوسته در گناه زندگی کند، ولی از طرف خداوند تنبیه نشود، معلوم می شود که چنین شخصی اصلاً فرزند خدا نیست (عبرانیان ۱۲: ۶). کتاب مقدس به ما می گوید که کسانی که چنین کارهای جسمانی را انجام می دهند وارث ملکوت خدا نخواهند شد (غلاطیان ۵: ۲۱).

ولی اگر ایماندار در روح قدم بزند میوه عالی در او پدیدار خواهد گشت. میوه روح عبارت است از محبت و خوشی و سلامتی و حلم و مهربانی و نیکویی و ایمان و تواضع و پرهیزکاری (غلاطیان ۵: ۲۲ و ۲۳). میوه روح محبت است.

وقتی پر از روح القدس هستیم خدا را محبت می‌کنیم و سایر مسیحیان را محبت خواهیم کرد هر چند ممکن است از بسیاری جهات با آنها فرق داشته باشیم. تمام مردم را از هر نژاد و رنگ و عقیده محبت خواهیم کرد. این محبت در اعمال ما دیده خواهد شد. همین موضوع باعث خواهد شد که ما از سایر مردم مشخص باشیم. بدون محبت واقعی زندگی ما بی‌فایده و خالی و غرورآمیز خواهد بود (اول قرنتیان ۱۳: ۱). مسیحی پر از روح القدس پر از شادی خواهد بود. شادی خداوند قوت اوست (نحمیا ۸: ۱۰). وقتی دیگران بیچاره و غمگین هستند او در خداوند شادی می‌کند او فقط وقتی که روز مراد اوست و سعادتمند می‌باشد، شادی نمی‌کند، بلکه همیشه در خداوند شاد است (فیلیپیان ۴: ۴). وضع زندگی او هر چه باشد، باز هم این شادی در زندگی‌اش دیده می‌شود دیگران این شادی را می‌بینند و در نتیجه به سوی مسیح می‌آیند. وقتی مسیحی غرور و شکایت می‌کند باعث بدنامی مسیح می‌گردد. قلب مسیحی پر از روح القدس از سلامتی لبریز خواهد بود (فیلیپیان ۴: ۶ و ۷). نگران و ناراحت نیست. تمام نگرانی‌های خود را به خداوند واگذار کرده است (اول پطرس ۵: ۷). هنگام آزمایش و در مواقع مشکل چنان صلح و صفایی از خود نشان می‌دهد که باعث احترام خداوند خود می‌گردد.

۱- مسیحی پر از روح القدس حلیم و پرمهر خواهد بود. محبت، صبور و مهربان است.

۲- میوه روح مهربانی است. روح جهان عبارت است از خشونت و سختی. شیطان هیولای بی‌رحمی است و این صفت در پیرامون او کاملاً مشاهده می‌شود. مسیحی پر از روح القدس نسبت به اشخاص ضعیف و متزلزل، مهربان خواهد بود.

۳- میوه روح نیکویی است. غیر از مسیح حتی یک نفر نیکوکار هم وجود ندارد (رومیان ۳: ۱۰). در ما هم که به وسیله روح القدس تولد تازه یافته‌ایم چیز خوبی وجود ندارد. پولس رسول فرمود: «در من یعنی در جسد من هیچ نیکویی ساکن نیست» (رومیان ۷: ۱۸). تنها نیکویی که می‌تواند در انسان وجود داشته باشد آن است که از روح خدا سرچشمه می‌گیرد.

۴- میوه روح ایمان است. انسان طبیعی همیشه دچار شک و ترس می‌گردد. ایمان‌داری که جسمانی است گرفتار ترس می‌باشد. ایماندار پر از روح القدس ایمانی قوی دارد و خدا را تمجید می‌کند (رومیان ۴: ۲۰). با شجاعت وعده‌های خدا را می‌پذیرد. در تیره‌ترین شب‌ها می‌تواند سرود بخواند، چون می‌داند که خدا هنوز هم بر تخت نشسته و تمام کارها را مطابق میل خود انجام می‌دهد.

۵- میوه روح تواضع است. انسان طبیعی کسانی را که از خودش ضعیف‌تر هستند در زیر پاهای خود پایمال می‌کند، ولی مسیحی پر از روح القدس (با وجودی که خداوند او را برکت داده و کامیاب ساخته) متواضع و فروتن است. او نسبت به همه مهربان است. وقتی موفقیتی بدست می‌آورد از شدت غرور بر خود نمی‌بالد.

۶- میوه روح پرهیزکاری است. مسیحی پر از روح القدس در هیچ کاری افراط نمی‌کند. تمام کارهای او تحت نظر روح خدا انجام می‌شود. زندگی هماهنگی دارد و باعث جلال خداوند خود می‌گردد. باید دانست که تمام این میوه‌های عالی روح، آسمانی هستند. انسان طبیعی نمی‌تواند آنها را تولید کند. کار احمقانه‌ای خواهد بود که کسی بخواهد با تقلید آنها را در خود به وجود آورد. اگر در حیات منزلمان درخت سروی وجود داشته باشد هیچگاه پرتقال نخواهد داد. ممکن است ما چند پرتقال به این درخت آویزان کنیم، ولی درخت سرو درخت پرتقال نخواهد شد. این میوه به زودی فاسد و نابود می‌شود. درخت پرتقال طبیعتاً پرتقال می‌دهد. مسیحی پر از روح القدس هم خود به خود دارای میوه روح خواهد بود. این میوه باعث احترام خداوند ما خواهد گردید.

## فصل سوم: عادل به وسیله ایمان زندگی خواهد کرد

ما نه فقط به وسیله ایمان عادل می‌شویم؛ یعنی عادل محسوب می‌گردیم (حقوق ۲: ۴)، بلکه باید به وسیله ایمان زندگی کنیم. وقتی به وسیله ایمان زندگی می‌کنیم کاملاً به خدا متکی هستیم. همانطوری که برای بخشش گناهانمان به او متوسل شدیم، حالا هم برای تأمین احتیاجات روحانی و جسمانی خود به او اتکا می‌کنیم. هیچ کس نتوانسته است با کوشش و تلاش خود را نجات بدهد. برای نجات یافتن ایمان داشته که کاری را که خودش نمی‌تواند انجام دهد خدا انجام خواهد داد. هیچ کس تاکنون نتوانسته است با سعی و کوشش شخصی زندگی مسیحی داشته باشد. انسان برای اینکه بتواند زندگی مسیحی داشته باشد باید اعتماد داشته باشد که آنچه خودش نمی‌تواند خدا قادر است برای او انجام دهد. هیچ کس نمی‌تواند با تکان دادن دست‌های خود از بالای اقیانوس پرواز کند هر چند کوشش زیادی هم بنماید. حتی نمی‌تواند در اتاق خود هم پرواز کند. همانطور که انسان نمی‌تواند پرواز کند به همان طریق قادر نیست با کوشش خود زندگی مسیحی داشته باشد.

ولی هر روز هزاران نفر از بالای اقیانوس پرواز می‌کنند. آنها با کوشش خود این کار را انجام نمی‌دهند، بلکه در یک هواپیمای غول‌پیکر سوار می‌شوند و کاملاً راحت می‌نشینند و در عرض چند ساعت به مقصد خود می‌رسند. مسیحی هم همین طور است، زیرا در مسیح قرار دارد. باید در او راحت باشیم. او باید ما را از اقیانوس حیات عبور دهد. او ما را از جهنم آزاد می‌کند و به بهشت می‌برد. تمام کار را او انجام می‌دهد. اگر ما کوشش کنیم او را کمک کنیم مانع کار او خواهیم شد. در واقع وقتی ما سعی می‌نماییم به مسیح کمک کنیم او مجبور می‌شود منتظر بماند تا ما بفهمیم که هیچ کاره هستیم بعد از آن می‌تواند به ما کمک کند. زندگی با ایمان پر از شکرگزاری خواهد بود. ایمان خدا را برای تمام کارهایی که کرده است و می‌کند و خواهد کرد شکر و سپاس می‌نماید. ما به وسیله ایمان عادل شمرده می‌شویم (رومان ۵: ۱) و باید با ایمان زندگی کنیم (غلاطیان ۲: ۲۰).

### نجات نتیجه فیض و لطف خداست

لغت فیض را نمی‌توان به خوبی تشریح کرد، ولی برای آنکه تا اندازه‌ای معنی آن را درک کنیم می‌توان آن را لطفی که ما شایسته آن نیستیم معنی کرد. نجات ما از آغاز تا انجام در اثر فیض است. من و شما گناهکاران جهنمی و بیچاره‌ای بودیم. ما به هیچ وجه نمی‌توانستیم خود را نجات دهیم. به وسیله ایمان عیسای مسیح را در قلب خود پذیرفتیم و فرزند خدا شدیم. گناهان ما در اثر فیض بیحد خدا بخشیده شد نه به این دلیل که ما شایسته و لایق نجات بودیم. حالا هم هر چند عضو خانواده خدا هستیم، در تمام کارهای خود کاملاً به خدا متکی هستیم. بدون کمک او هیچ کاری نمی‌توانیم بکنیم (یوحنا ۱۵: ۵). ما با قدرت خودمان نمی‌توانیم زندگی مسیحی داشته باشیم. این گفتار باعث کوچکی و تحقیر ما می‌گردد. فکر می‌کنیم که کارهای هستیم و نمی‌خواهیم خدا غیر از موارد استثنایی ما را کمک کند. عده زیادی زندگی مسیحی خود را شروع می‌کنند بدون اینکه به حقیقت فوق توجهی داشته باشند و در نتیجه با چنان شکستی رو به رو می‌شوند که بدنامی مسیح می‌گردد. اینها متوجه فساد و تباهی خود نیستند، از قدرت بیحد مسیح استفاده نمی‌کنند.

وقتی از زندگی سرد و بی‌ثمر خود خلاص خواهید شد که بدانید ضعیف هستید و خود را فروتن سازید تا اینکه مسیح همه چیز شما باشد، فیض خدا نه فقط ما را فرزند خدا می‌سازد، بلکه به ما قدرت می‌دهد که هر روز مانند فرزندان خدا زندگی کنیم. اکنون که ما در فیض هستیم باید در فیض رشد نماییم (دوم پطرس ۳: ۱۸). همانطور که والدین ما مایل هستند جسماً رشد کنیم خدا هم مایل است که ما روحاً رشد کنیم. رشد جسمی و روحی بسیار طبیعی است. اگر مایل باشیم جسماً رشد کنیم، باید اصول مخصوص را رعایت نماییم. برای اینکه روحاً رشد کنیم اصول معینی وجود دارد که باید پیروی نماییم.

### اطمینان نجات

خدا میل دارد که ما از نجات خود اطمینان داشته باشیم (اول یوحنا ۵: ۱۳). او می‌خواهد که هم نجات پیدا کنیم و هم بدانیم که نجات داریم. مسیحی می‌داند که فرزند خداست، زیرا به وعده‌های عالی کلام خدا متکی می‌باشد. کتاب



مقدس می‌فرماید: «به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند؛ یعنی هر که به اسم او ایمان آورد» (یوحنا ۱: ۱۲). وقتی عیسای مسیح را با ایمان در قلب خود پذیرفتیم می‌توانیم مطابق کلام خدا اطمینان داشته باشیم که فرزند خدا هستیم. وقتی شخصی مسیحی می‌شود در مسیح خلقت تازه‌ای است چیزهای کهنه درگذشت، اینک همه چیز تازه شده است (دوم قرنتیان ۵: ۱۷). اگر شخصی خود را مسیحی می‌خواند، ولی زندگانی‌اش تغییر نیافته کاملاً واضح است که هنوز تولد تازه ندارد. کتاب مقدس چند نوع محک در اختیار ما می‌گذارد تا بفهمیم در ایمان هستیم یا نه (دوم قرنتیان ۱۳: ۵). تنها اقرار زبان کافی نیست.

۱- اگر مسیحی هستید باید کلام خدا را دوست داشته باشید. «همانطوری که کودک برای شیر مادرش گریه می‌کند شما همچون طفل نوزاد در مسیح باید مشتاق شیر کلام خدا باشید» (اول پطرس ۲: ۲).

۲- کلام خدا را به طرز جدیدی می‌فهمید، «زیرا روح‌القدس در قلب شما ساکن است و آنچه را که مال مسیح است گرفته، به شما اعلام خواهد کرد» (یوحنا ۱۶: ۱۴).

۳- اگر مسیحی هستید مایلید دعا کنید (رومیان ۸: ۱۵). خواهید فهمید که خدا پدر شماست و از صحبت کردن با او بسیار شاد خواهید شد. با خوشحالی تمام نگرانی‌ها و بارهای خود را به حضور او بیاورید. دیگر دعا کردن شما فقط برای انجام تکلیف نخواهد بود، بلکه برای شما افتخاری است که با خدای بزرگ تمام کائنات که اکنون پدر شماست صحبت کنید و مشارکت داشته باشید.

۴- اگر مسیحی هستید فرزندان خدا را محبت خواهید کرد. کتاب مقدس می‌گوید ما می‌دانیم که از موت گذشته داخل حیات گشته‌ایم از اینکه برادران را محبت می‌نماییم (اول یوحنا ۳: ۱۴). ما از بودن با کسانی که آنها را دوست داریم لذت می‌بریم. از دوستی و مشارکت با سایر ایمانداران و از دعا و پرستش و مطالعه کلام خدا با آنها قلبمان شاد می‌گردد.

۵- محبت تازه‌ای در قلب شما نسبت به گمراهان به وجود می‌آید و خیلی میل دارید آنها هم نجات پیدا کنند (دوم قرنتیان ۵: ۱۴).

۶- اگر مسیحی هستید به زشتی گناه پی خواهید برد. به کارهایی که قبلاً اشتباه نمی‌دانستید با نظر جدیدی نگاه می‌کنید.

۷- قبلاً گفتیم که اگر مسیحی هستید، ولی گناهان خود را اقرار نمی‌کنید به وسیله خداوند تنبیه خواهید شد. اگر خداوند شما را تنبیه می‌کند معلوم می‌شود که به او تعلق دارید. اگر خود را مسیحی می‌دانید و به گناهان خود اعتراف نمی‌کنید و با وجود این خداوند شما را تنبیه نمی‌کند معلوم می‌شود که به مسیح تعلق ندارید. به خاطر داشته باشید که خدا همیشه بعد از گناه بلافاصله شما را تنبیه نمی‌کند ممکن است گاهی مرتکب گناه شوید و ببینید که خدا شما را تنبیه نمی‌کند و خیالتان راحت باشد، ولی مطمئن باشید که یک روز گناه گریبانتان را خواهد گرفت (اعداد ۳۲: ۲۳). مسیحی نه فقط اطمینان دارد که در این دنیا نجات دارد، بلکه می‌داند که بعد از مرگ به بهشت خواهد رفت. وقتی مسیحی می‌میرد روحش که وجود اصلی اوست از بدن خاکی خارج می‌شود و فوراً به حضور خداوند می‌رود (دوم قرنتیان ۵: ۸). بدن را ترک می‌کند نزد خداوند می‌شتابد. هیچ اشاره‌ای در کلام خدا وجود ندارد که مسیحی بعد از مردن برای پاک شدن به برزخ می‌رود و بعد به حضور خداوند می‌رسد.

در کلام خدا مکانی که برزخ باشد وجود ندارد. این موضوع از ساخته‌های مغز بشری است. این حقیقت در موقعی که عزیزان ما می‌میرند باعث تسلی ما می‌گردد. وقتی بدن آنها را در تابوت مشاهده می‌کنیم می‌دانیم که آنجا نیستند، بلکه در حضور خداوند هستند. وقتی بدن آنها در قبر قرار می‌گیرد می‌دانیم که در قبر نیستند، بلکه با خداوند هستند. این موضوع در مورد گناهکارانی که تولد تازه ندارند صدق نمی‌کند. این چنین اشخاص وقتی بمیرند فوراً به جهنم می‌روند و در آنجا تا ابد می‌سوزند. آن دولت‌مندان نیز مرد و او را دفن کردند. پس چشمان خود را در عالم اموات گشود خود را در عذاب یافت (لوقا ۱۶: ۲۲ و ۲۳).

## فصل چهارم: کلام نوشته شده خدا

برای اینکه جسماً رشد کنیم، باید خوراک بخوریم. اگر بخواهیم در فیض مسیح رشد کنیم باید خوراک بخوریم. کتاب مقدس خوراک ایماندار است باید چون اطفال نوزاد مشتاق شیر روحانی یعنی کلام خدا باشیم تا به وسیله آن برای نجات نمو کنیم (اول پطرس ۲: ۲). شیر برای کودکان بسیار مفید است، ولی برای کارگران کافی نیست، باید خوراک مقوی داشته باشد تا نیروی لازم را بدست آورد. کتاب مقدس نان ماست. عیسی فرمود: انسان نه محض نان زیست می‌کند، بلکه بهر کلمه‌ای که از دهان خدا صادر گردد (متی ۴: ۴). به علاوه گوشت قوی کلام خدا وجود دارد برای کسانی که تحمل آن را داشته باشند (عبرانیان ۵: ۱۲ - ۱۴). دسر کلام خدا بسیار عالی است. کلام خدا از غسل شیرین‌تر است. (مزمور ۱۹: ۱۰). می‌توانیم با حضرت ارمیای نبی همصدا شده فریاد کنیم، «سخنان تو یافت شد و آنها را خوردم و کلام تو شادی و ابتهاج دل من گردید» (ارمیا ۱۵: ۱۶). کلام خدا برای پاهای ما چراغ و برای راه‌های ما نور است (مزمور ۱۱۹: ۱۰۵). کتاب قوانین زندگی است.

به وسیله مطالعه کتاب مقدس می‌توانیم خدا را بشناسیم و راه‌های او را بیاموزیم. هر چه بیشتر کتاب مقدس را مطالعه کنیم برای ما عزیزتر می‌گردد. در کتاب مقدس می‌توانیم تمام گنج‌های علم و معرفت را پیدا کنیم. پایه و اساس تمام دانش‌های دیگر است. باید کلام خدا را بخوانیم، مطالعه کنیم، حفظ نماییم و درباره آن تفکر کنیم، باید آن را در زندگی خود داخل سازیم و از خود به دیگران برسانیم. همانطوری که به طور مرتب خوراک جسمانی می‌خوریم، به همان طریق باید هر روز روح خود را به وسیله مطالب نیکویی که در کلام خدا وجود دارد خوراک بدهیم. مهم‌ترین کاری که یک نفر مسیحی باید انجام دهد همانا مطالعه کلام خداست (دوم تیموتاؤوس ۲: ۱۵). وقتی مسیحی کتاب مقدس را می‌خواند، راه‌های خدا را کشف می‌کند، مسیح زنده را می‌یابد، روح القدس و اعمال او را می‌شناسد. کتاب مقدس به ما یاد می‌دهد که چگونه دعا کنیم، چگونه زندگی مسیحی داشته باشیم و چگونه خدا را خدمت نماییم. روح القدس به وسیله کتاب مقدس می‌آموزد که چطور شهادت بدهیم و چطور مردم را به سوی مسیح رهبری کنیم.

بسیار لازم است که هر مسیحی عادت کند که هر روز کتاب مقدس را بخواند، چون کلام خدا در زندگی ما خیلی اهمیت دارد، شیطان هر حيله‌ای را به کار خواهد برد که نگذارد ما هر روز روح خود را به وسیله کلام خدا خوراک بدهیم. او به قدری ما را مشغول کارهای دیگر خواهد ساخت که فرصت خواندن و مطالعه کتاب مقدس را نداشته باشیم. وقتی شروع به مطالعه می‌کنیم، شیطان ما را خواب‌آلود می‌سازد، سعی می‌کند به هر وسیله‌ای که بتواند مزاحم ما گردد. ما باید یاد بگیریم که چطور باید با اعتماد به خدا در مقابل حيله‌های شیطان مقاومت کنیم. ذیلاً بعضی از قواعد مطالعه کتاب مقدس ذکر می‌شود اولاً مرتب باشید. وقت و محل معینی برای نزدیکی به خدا انتخاب کنید (مرقس ۱: ۳۵). ثانیاً در حال دعا باشید. به روح القدس تکیه کنید و او را معلم خود بدانید (یوحنا ۱۴: ۲۶). ثالثاً آیات و قسمت‌هایی را که باعث برکت شما شده علامتگذاری کنید و حفظ نمایید (مزمور ۱۱۹: ۱۱). رابعاً آنچه را می‌خوانید در زندگی خود عملی سازید (یعقوب ۱: ۲۲).

## دعا

در زندگی جسمانی برای زنده ماندن لازم است تنفس کنیم. اگر سالم باشیم، نفس کشیدن برای ما عادی و آسان خواهد بود، ولی وقتی مریض باشیم تنفس مشکل خواهد شد. دعا عبارت است از تنفس روح مسیحی، چون در خانواده خدا متولد شده‌ایم می‌توانیم به حضور خدای بزرگ تمام کائنات بیاییم و با او چون پدر آسمانی خود سخن بگوییم. ما توسط عیسای مسیح به خدای پدر دسترسی پیدا می‌کنیم (رومان ۵: ۲). مسیح رئیس کهنه بزرگ ماست (عبرانیان ۸: ۱). لازم نیست شخص دیگری کاهن ما باشد. خدا دعا‌های ما را می‌شنود و مستجاب می‌فرماید، زیرا شبیه مسیح شده‌ایم. همانطور که یک پدر جسمانی از سخن گفتن با فرزندانش خود خوشحال می‌شود پدر آسمانی ما هم از نزدیکی ما شاد می‌گردد. در قسمت‌های متعدد کتاب مقدس خدا ما را تشویق می‌کند که دعا کنیم. مرا بخوان و تو را اجابت خواهم نمود و تو را از چیزهای عظیم و مخفی که آنها را ندانسته‌ای مخبر خواهم ساخت (ارمیا ۳۳: ۳). عیسی وعده فرمود: «هر چیزی را که به اسم من سؤال کنید بجا خواهم آورد تا پدر در پسر جلال یابد».

اگر چیزی به اسم من طلب کنید من آن را بجا خواهم آورد» (یوحنا ۱: ۱۳ و ۱۴). عیسی فرمود: «سؤال کنید که به شما داده خواهد شد، بطلبید که خواهید یافت، بگویید که برای شما باز کرده خواهد شد» (متی ۷: ۷). یعقوب حواری می‌فرماید: «ندارید از این جهت که سؤال نمی‌کنید و سؤال می‌کنید و نمی‌یابید از اینرو که به نیت بد سؤال می‌کنید تا در لذات خود صرف نمایید» (یعقوب ۴: ۲ و ۳). باید طبق میل و اراده خدا دعا کنیم (اول یوحنا ۵: ۱۴). باید به نام مسیح دعا کنیم (یوحنا ۱۴: ۱۴). باید با ایمان دعا کنیم (مرقس ۱۱: ۲۴ و عبرانیان ۱۱: ۶). کتاب مقدس طرز دعا را به ما یاد می‌دهد. باید یاد بگیریم که در روح دعا کنیم (رومیان ۸: ۲۶ و ۲۷ و افسسیان ۶: ۱۸ و یهودا ۲۰). باید یاد بگیریم که با ایمان دعا کنیم (یعقوب ۵: ۱۵). باید به اتاق خود برویم و تنها دعا کنیم (متی ۶). باید یاد بگیریم که با سایر مسیحیان دعا کنیم. باید از خدا درخواست کنیم که شادی ما کامل گردد (یوحنا ۱۶: ۲۴).

خدا همیشه دعا‌های ما را آنطور که ما میل داریم و همان وقت که ما می‌خواهیم جواب نمی‌دهد. باید یاد بگیریم که اگر هم دعا‌های ما فوراً جواب داده نشود باز به او اعتماد داشته باشیم. وقتی ما دعا می‌کنیم خدا کار می‌کند. تمام خدمات ما برای خداوند باید با دعا توأم باشد. باید تمام مشکلات و مسایل خود را به وسیله دعا به حضور خدا ببریم. باید برای سایر مسیحیان هم دعا کنیم (افسسیان ۶: ۱۸). باید برای خادمین خداوند دعا کنیم (افسسیان ۶: ۱۹). برای رؤسای کشور خود باید دعا کنیم (اول تیموتاؤوس ۲: ۲). باید دعا کنیم که خدا خادمین بیشتری بفرستد تا به کسانی که حاضرند کلام خدا را بشنوند شهادت بدهند. دعا کردن چه افتخار بزرگی است وقتی می‌بینیم خدا کار می‌کند. قلبمان چقدر شاد می‌شود، بنابراین دستور خداوند را اطاعت نمایید و همیشه دعا کنید (اول تسالونیکیان ۵: ۱۷).

حقیقت عالی و بزرگی که باید بدانیم این است که چون عیسی به خاطر گناهان ما تنبیه شده است ما دیگر برای آنها مسؤولیتی نداریم. پولس رسول می‌فرماید: «لیکن جایی که گناه زیاد گشت فیض بی‌نهایت افزون گردید» (رومیان ۵: ۲۰). آیا معنی این جمله این است که هر چه بیشتر گناه کنیم فیض خدا بیشتر می‌شود؟ خیر، هرگز! مسیح نه فقط برای گناهان ما مرد، بلکه برای خود ما نیز جان داد. وقتی او مرد ما هم با او مردیم، با او مصلوب شدیم (رومیان ۶: ۶). باید این حقیقت را با ایمان قبول کنیم، زیرا کتاب مقدس اینطور می‌گوید، از کجا می‌دانیم که مسیح به خاطر گناهان ما مرد؟ یگانه منبع اطلاع ما کتاب مقدس است. به همان طریق می‌توانیم بفهمیم که طبیعت قدیمی و گناهکار ما با مسیح مصلوب شد، زیرا کتاب مقدس اینطور می‌گوید (غلاطیان ۲: ۲۰)، چون با مسیح مصلوب شده‌ایم خدا به ما دستور می‌دهد که خود را برای گناه مرده حساب کنیم، ولی برای خدا زنده بشماریم (رومیان ۶: ۱۱). پیش از اینکه نجات پیدا کنیم اعضای بدن خود را به گناه می‌سپردیم، ولی دیگر نباید این کار را بکنیم، بلکه باید اعضای بدن خود را به خدا بسپاریم (رومیان ۶: ۱۳). تمام اعضای بدن ما باید به وسیله خدا اداره شود.

وقتی به فرمایش خدا ایمان می‌آوریم که فرمود انسانیت کهنه ما با مسیح مصلوب شد، در آن موقع می‌توانیم او را اطاعت کنیم و خود را برای گناه مرده بشماریم و به وسیله خودداری از سپردن اعضای بدن خود به گناه تسلیم خدا شویم. در آن وقت متوجه این حقیقت خواهیم شد که گناه نمی‌تواند بر ما غلبه کند (رومیان ۶: ۱۴). ممکن است گناه کنیم، ولی گناه دیگر بر ما تسلط ندارد. دیگر به زندگی در گناه ادامه نخواهیم داد. ما از کلام خدا و همچنین در نتیجه تجربیات شخصی متوجه شده‌ایم که حالا دارای دو طبیعت هستیم. هنوز هم آن طبیعت قدیمی را که پیش از نجات یافتن داشتیم حفظ کرده و به علاوه دارای طبیعت جدیدی شده‌ایم که طبیعت الهی است، این دو طبیعت دائماً با هم در جدال هستند. امیال جسمانی به خلاف روح است و امیال روح به خلاف جسم (غلاطیان ۵: ۱۷). تا موقعی که دچار این وضع باشیم در زندگی گرفتار نشیب و فراز بوده در زندگی مسیحی شکست خواهیم خورد. مقصود و نقشه خدا برای ما این نیست. ما در مسیح پیروزی بی‌حدی داریم (رومیان ۸: ۳۷). باید همیشه در مسیح مظفر باشیم (دوم قرنتیان ۲: ۱۴). به وسیله روح القدس باید اعمال جسم خود را نابود سازیم تا حیات مسیح در ما دیده شود (رومیان ۸: ۱۳). وقتی متوجه شویم که با مسیح مردیم در شادی حیات او نیز شریک خواهیم بود. عیسای مسیح پیش از اینکه زنده شود اول مرد. من و شما نمی‌توانیم از حیات او استفاده کنیم مگر اینکه در مرگ او سهیم باشیم.

### اگر گناه کنیم

عیسای مسیح یگانه انسانی است که در جهان بدون گناه زندگی کرد. اگر بگوییم که گناه نداریم خود را گمراه می‌کنیم و راستی در ما نیست (اول یوحنا ۱: ۸). هر چند بعد از مسیحی شدن باز هم گناه می‌کنیم، ولی باید قدوسیت را در خداترسی به کمال برسانیم (دوم قرنتیان ۷: ۱). ما باید یاد بگیریم که چطور می‌توانیم بر گناه غلبه کنیم و در زیر تسلط آن نباشیم، وقتی مسیحی گناه می‌کند چه می‌شود؟ استدلال بشری به ما می‌گوید که وقتی یک نفر مسیحی گناه کرد نجات خود را از دست می‌دهد و دیگر فرزند خدا نیست، ولی کتاب مقدس چنین چیزی نمی‌گوید، وقتی یک نفر مسیحی گناه می‌کند شیطان بر او می‌خندد و او را برای گناهی که مرتکب شده سرزنش می‌نماید. یوحنا رسول به اعضای خانواده خدا چنین می‌نویسد: «ای فرزندان، من این را به شما می‌نویسم تا گناه نکنید و اگر کسی گناهی کند...» چه خواهد شد؟ آیا یوحنا می‌فرماید که اگر یک نفر مسیحی گناه کند نجات خود را از دست خواهد داد و باید دوباره نجات پیدا کند؟ نه خیر. یوحنا می‌فرماید: «و اگر کسی گناهی می‌کند شفیعی داریم نزد پدر یعنی عیسای مسیح عادل» (اول یوحنا ۲: ۱).

وقتی عیسی بر روی صلیب جان داد برای چند گناه ما مرد؟ برای تمام گناهان ما مرد؛ یعنی گناهان گذشته، گناهان زمان حال و حتی گناهان آینده، زیرا وقتی او مرد تمام گناهان ما در زمان آینده قرار داشت. وقتی ما ایمانداران به مسیح گناه می‌کنیم از فرزند بودن محروم نمی‌شویم، بلکه صمیمیت ما با خدا از بین می‌رود. نجات خود را از دست می‌دهیم (مزمور ۵۱: ۱۲). اتحاد خود را با مسیح از دست نمی‌دهیم، ولی نزدیکی و مشارکت ما با او از بین می‌رود. کتاب مقدس به ما تعلیم می‌دهد که وقتی مسیحی گناه خود را اقرار کرد دوباره مشارکت و صمیمیتی را که با خدا

داشت بدست می‌آورد. اگر به گناهان خود اعتراف کنیم او امین و عادل است تا گناهان ما را بیامزد و ما را از هر ناراستی پاک سازد (اول یوحنا ۱: ۹). کتاب مقدس هیچگاه نمی‌گوید که باید گناهان خود را نزد کشیش اعتراف کنیم. فقط خدا می‌تواند گناه را بیامزد، باید گناهان خود را نزد او اعتراف کنیم. عده زیادی دعای خود را اینطور تمام می‌کنند: «گناهان و ناپاکی‌های ما را که زیاد است به خاطر مسیح ببخش، آمین».

این اعتراف گناه نیست، بلکه تکرار کلمات بی‌معنی است. وقتی گناهان خود را اعتراف می‌کنیم، باید یک به یک به حضور خدا بیاوریم، اعتراف به گناه معنی‌اش این است که درمورد گناه خود با خدا هم‌عقیده باشیم. باید به خدا بگوییم که از گناه خود شرم‌منده‌ایم و از کاری که کرده‌ایم متأسفیم. برای اینکه اعتراف ما مورد قبول خدا واقع شود، باید از ته قلب باشد. اگر فقط برای فرار از مجازات گناه خود اعتراف می‌کنیم اعتراف ما حقیقی نیست. وقتی گناهان خود را به طور صحیح اعتراف کردیم باید کلام او را قبول کنیم و ایمان داشته باشیم که گناهان ما بخشیده شده است. نباید برای گناهانی که خدا بخشیده است باز هم غصه بخوریم. نباید اجازه دهیم که شیطان برای گناهانی که به وسیله خون مسیح پاک شده ما را سرزنش کند. اگر نسبت به خدا گناهی کرده‌ایم باید آن را نزد خدا اعتراف کنیم. اگر نسبت به شخصی مرتکب گناه شده‌ایم، باید نزد او هم برویم و گناه و خطای خود را نزد او اعتراف کنید (یعقوب ۵: ۱۶). باید رابطه خود را با او اصلاح کنیم. حتی‌الامکان باید سعی نماییم خطاهای خود را جبران کنیم.

غالباً انجام این کار مشکل است، ولی خدا ما را در انجام آن کمک خواهد کرد و ما تا این کار را نکنیم آرامش قلبی پیدا نخواهیم کرد. اگر نسبت به کلیسا گناه کرده باشیم باید گناه خود را به کلیسا اعتراف کنیم. بسیاری از مسیحیان که تولد تازه یافته‌اند با خدا رابطه و مشارکت صحیحی ندارند، زیرا در زندگی آنها گناهان اقرار نشده وجود دارد. زندگی آنها سرد و بی‌ثمر است. شادی خداوند در آنها وجود ندارد. آن صلح و آرامشی را که فوق از تمامی عقل است درک نمی‌کنند. اینها از تمام مردم بدبخت‌ترند، زیرا چون نجات یافته‌اند نمی‌توانند از دنیا لذتی ببرند و چون مشارکت با خدا را از دست داده‌اند نمی‌توانند از امور الهی لذت ببرند. اگر مسیحی قلب خود را سخت بسازد و از اعتراف به گناه خودداری کند خداوند او را تنبیه خواهد کرد، زیرا هر که را خداوند دوست می‌دارد توبیخ می‌فرماید و هر فرزند مقبول خود را به تازیانه می‌زند (عبرانیان ۱۲: ۶). خدا طوری با ما رفتار می‌کند که بفهمیم خود اوست که این کار را انجام می‌دهد. او ما را به این علت تنبیه نمی‌کند که از ما نفرت دارد، بلکه این کار به سبب محبت او نسبت به ماست و می‌خواهد به ما یاد بدهد که میل و اراده او را انجام دهیم. هیچ تنبیهی خوشایند نیست، ولی اگر ما آن درسی را که خداوند مایل است به ما بیاموزد یاد بگیریم وقتی به گذشته نگاه کنیم از اینکه خداوند ما را تنبیه کرده است خوشحال خواهیم بود.

قیام یعنی زنده شدن کسانی که مرده‌اند. وقتی این کلمه در کتاب مقدس به کار می‌رود مقصود زنده شدن بدن است نه روح یا جان. حضرت ایوب سؤال می‌کند اگر مرد بمیرد بار دیگر زنده شود؟ (ایوب ۱۴: ۱۴). سپس سؤال خود را اینطور جواب می‌دهد، بعد از آنکه این پوست من تلف شود با جسد من خدا را خواهم دید (ایوب ۱۹: ۲۵ و ۲۶). حضرت دانیال می‌فرماید بسیاری از آنانی که در خاک زمین خوابیده‌اند بیدار خواهند شد، اما اینان به جهت حیات جاودانی و آنان به جهت خجالت و حقارت جاودانی (دانیال نبی ۱۲: ۲). کتاب مقدس به طور واضح تعلیم می‌دهد که دو قیام وجود دارد و آنچه از تمام آیات فهمیده می‌شود این است که یا این دو قیام با هم خواهند بود و یا از یکدیگر خیلی کم فاصله خواهند داشت، با این حال یوحنا رسول می‌فرماید که این دو قیام هزار سال فاصله خواهند داشت (مکاشفه ۲۰: ۵). پولس رسول در رساله اول به کلیسای قرنتس درباره قیام توضیحات زیادی می‌دهد (اول قرنتیان فصل ۱۵).

### رجعت ثانوی مسیح

عادلانی که مرده‌اند هنگام رجعت ثانوی عیسی زنده خواهند شد. گناهکارانی که مرده‌اند تا بعد از سلطنت هزار ساله عیسی زنده نخواهند شد. درباره رجعت ثانوی مسیح هم در عهد عتیق و هم در عهد جدید صدها پیشگویی وجود دارد (اشعیا ۲: ۱-۴ و ۱۱: ۱-۱۰ و ۲۳: ۲۴)، (ارمیا ۲۳: ۵ و ۶)، (زکریا ۱۴: ۱-۴)، (مزمور ۲ و ۲۴ و ۷۲)، (متی ۲۴ و ۳۰ و ۴۴)، (لوقا ۲۱: ۲۸)، (یوحنا ۱۴: ۱-۳)، (تیطس ۲: ۱۳)، (مکاشفه ۱۹: ۱۱-۱۶). او مشخصاً مراجعت خواهد فرمود و همه او را خواهند دید (اعمال رسولان ۱: ۱۱). مسیح مراجعت خواهد فرمود تا جهان را به عدالت دادرسی فرماید (اعمال رسولان ۱۷: ۳۱).

### دشمنان

زندگی مسیحی از آغاز تا انجام، جنگ روحانی است. علت این موضوع این است که خدای مقدس و عادل دشمنی به نام شیطان دارد که هیولای شرارت است. شیطان دشمن خداست. با تمام کارهای خدا مخالفت می‌کند. باید همه مطلع باشند که در جهان چنین کشمکشی وجود دارد. ما می‌دانیم که عاقبت این نبرد چه خواهد بود. خدا پیروز می‌گردد، زیرا او خالق ذوالقدرت است، در حالی که شیطان یکی از مخلوقات خداست (حزقیال ۲۸: ۱۵). خدا اجازه فرمود که شیطان گناه کند و از این کار مقصودی داشت. مقصود بزرگ خدا در کار نجات این است که مردم را به سوی مسیح بیاورد و آنها را شبیه مسیح بسازد. شیطان با این کار مخالف است. توده‌های انبوهی از مردم در تحت تسلط شیطان می‌باشند، او آنها را به وسیله ترس و خرافات در اسارت نگاه می‌دارد. به وسیله مذاهب کاذب و دروغین آنها را در بند نگاه می‌دارد. آنها را در اسارت شهوات جسمانی نگاه می‌دارد، به وسیله لذات فریبنده دنیوی آنها را در زنجیر می‌بندد. تمام مذاهب غلط در اختیار شیطان هستند. متابعان خود را به وسیله ترس و خرافات حفظ می‌کند (عبرانیان ۲: ۱۴ و ۱۵). او از نور می‌ترسد و از حقیقت باک دارد. حقیقت از نور و تحقیق ترسی ندارد. نور جنبه‌های عالی حقیقت را ظاهر می‌سازد. شیطان میل ندارد که اسیرانش حقیقت را بدانند، زیرا می‌داند که حقیقت آنها را آزاد می‌سازد. من و شما باید در دست خدا وسیله‌ای باشیم که حقیقت را به کسانی که در اسارت شیطان هستند برسانیم (دوم قرنتیان ۵: ۲۰).

### کلیسا

اگر عهد جدید را به دقت مطالعه کنیم متوجه خواهیم شد که کلیسا دو معنی دارد. یک معنی آن روحانی است و اشاره‌ای به بدن مسیح که از تمام ایمانداران تشکیل شده است. قبلاً گفتیم که مسیح سر بدن است (کولسیان ۱: ۱۸) و ما مسیحیان عضو این بدن هستیم (افسیسیان ۵: ۳۰). همچنین کلیسا به عمارتی تشبیه شده و مسیح مهم‌ترین سنگ زاویه آن است (افسیسیان ۲: ۲۰). هر ایمانداری یک سنگ زنده است (اول پطرس ۲: ۵). ما مطابق میل و اراده خدا در بدن کار گذاشته شده‌ایم. عهد جدید درباره کلیساهای محلی نیز سخن می‌گوید مثل کلیسای اورشلیم، کلیسای انطاکیه و کلیسای غلاطیه (غلاطیان ۱: ۲). این کلیساها اجتماعی از ایمانداران محلی بودند که برای عبادت و خدمت خداوند گرد یکدیگر جمع می‌شدند. خدا همان روش تأسیس کلیساهای محلی را ادامه می‌دهد. شما باید کلیسایی

پیدا کنید که فعالیت‌های آن مطابق تعالیم کلام خدا باشد و به طور مرتب در جلسات آن شرکت نمایید، اگر چنین کلیسایی پیدا نکردید باید برای تأسیس آن فعالیت و دعا کنید. لغت کلیسا یعنی اجتماعی از برگزیدگان، فرزندان خدا باید اشخاص مقدس و دور از شرارت‌های دنیوی باشند. ما نباید هم‌شکل این جهان شویم، بلکه باید به تازگی ذهن خود صورت خود را تبدیل نماییم (رومیان ۱۲: ۲). اگر مسیحی مشغول بازی با لذات دنیوی شود کلام خدا او را روحا زناکار می‌داند (یعقوب ۴: ۳ و ۴).

### دو آئین مقدس مسیحی

وقتی مسیحی ایمان نجات‌بخش را در مسیح پیدا می‌کند به وسیله روح‌القدس در بدن مسیح یعنی کلیسا تعمید می‌گیرد. در مأموریت بزرگی که مسیح به شاگردان خود داد به آنها فرمود: «پس رفته همه امت‌ها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم اب و ابن و روح‌القدس تعمید دهید» (متی ۲۸: ۱۹). این تعمید در آب است. مسیحیان اولیه وقتی ایمان می‌آوردند تعمید می‌گرفتند (اعمال رسولان ۱۸: ۸). تعمید یک عمل اسرارآمیزی نیست که باعث نجات ما گردد، بلکه عبارت است از ظاهر ساختن ایمان باطنی. نشانه‌ای است از اتحاد ما با مسیح و شرکت در مرگ و مدفون شدن و قیام او (رومیان ۶: ۱-۴). به وسیله تعمید ما آشکارا با مسیح و کلیسایش یکی می‌شویم. مسیح یک شب قبل از مصلوب شدنش شام خداوند را مقرر فرمود. او نان را گرفت و شکر نمود و پاره کرد و فرمود که این نشانه‌ای است از بدن او که پاره خواهد شد، پیاله را هم برکت داد و فرمود که این هم نشانه‌ای از خون اوست که خواهد ریخت. فرمود این را به یادگاری من بجا آورید (اول قرنتیان ۱۱: ۱۴). اگر مسیح را دوست داریم باید احکام او را نگاه داریم (یوحنا ۱۴: ۱۵).

### نظارت مسیحی

مسیحی ناظر امین خداست، هر چه دارد متعلق به خداست. باید وقت و استعداد و پول خود را برای جلال خدا به کار ببرد. قوم اسرائیل که زیر شریعت بودند می‌بایست یک دهم درآمد خود را به خدا بدهند (ملاکی ۳: ۱۰). در دوره عهد جدید ما در زیر فیض و رحمت خدا زندگی می‌کنیم. خدا ما را مجبور نمی‌سازد، بلکه تشویق می‌فرماید. خدا اینطور صلاح دانسته است که کارش به وسیله هدایای فرزندان پیش برود. خدا بزرگترین فداکاری را برای ما انجام داد و فرزند خود عیسیای مسیح را به جهان فرستاد تا در بالای صلیب جان خود را فدا کند. اگر ما خداوند را دوست داریم با شادی و خوشحالی قسمتی از درآمد خود را به او تقدیم خواهیم کرد. پولس رسول به کلیسای قرنتس چنین می‌نویسد: «در روز اول هفته هر یک از شما به حسب نعمتی که یافته باشد نزد خود ذخیره کرده بگذارد تا در وقت آمدن من زحمت جمع کردن نباشد» (اول قرنتیان ۱۶: ۲). بعداً به همان کلیسا چنین نوشت: «اما خلاصه این است هر که با بخیلی کارد، با بخیلی درو کند و هر که با برکت کارد، با برکت درو کند، اما هر کس به طوری که در دل خود اراده نموده است بکند نه به حزن و اضطراب زیرا خداوند بخشنده خوش را دوست می‌دارد» (دوم قرنتیان ۹: ۶ و ۷). ما باید به وسیله اموال و نوبرهای محصول خود خداوند را تکریم نماییم (امثال ۳: ۹ و ۱۰).

## فصل هفتم: امتحان به وسیله خداوند

در زندگی تمام مردم رنج و زحمت وجود دارد. کتاب مقدس به ما تعلیم می‌دهد که ما نه تنها انتخاب شده‌ایم که به مسیح ایمان بیاوریم، بلکه باید به خاطر او زحمت بکشیم (فیلیپیان ۱: ۲۹). هر بار که گرفتار تجربه و امتحان می‌شویم و در زحمت می‌فتم باید فکر کنیم که خداوند ما را تنبیه می‌کند. ایمان صحیح باید از بوته امتحان بگذرد. پطرس رسول می‌فرماید که آزمایش ایمان ما از طلا گرانبه‌تر است (اول پطرس ۱: ۷). امتحان زندگی یا ما را خرد می‌کند یا اصلاح می‌نماید. ما یا گیاه ضعیفی خواهیم بود که در اثر وزش بادی پژمرده می‌شود و یا درخت تنومندی که در مقابل شدیدترین طوفان‌ها ایستادگی می‌کند. زحمت و اندوه از وسایلی است که خدا به کار می‌برد که ما را شبیه مسیح بسازد. زحمات ما باعث می‌شود که به زحمات نجات‌دهنده خود نزدیک شویم. وقتی مسیح در حدود دو هزار سال پیش بر روی زمین بود، خیلی رنج برد. بزرگترین آرزوی قلبی پولس رسول این بود که مسیح را و قوت قیامت او را بشناسد و در رنج‌هایش شرکت کند و با موت او مشابه شود (فیلیپیان ۳: ۱۰).

### زندگی در اطاعت خداوند

گناه در اثر خودخواهی شیطان به جهان وارد شد (اشعیا ۱۴: ۱۲-۱۴). هر شخصی که تولد تازه نیافته خودخواه است. عیسی به جهان آمد تا اراده خدا را کاملاً انجام دهد. او فرمود: «در بجا آوردن اراده تو ای خدای من رغبت می‌دارم (مزمور ۴۰: ۸). مسیحی میل دارد که اراده خدا را در هر کاری انجام دهد. عیسی فرمود: «نه هر که مرا خداوند خداوند گوید داخل ملکوت آسمان گردد، بلکه آنکه اراده پدر مرا که در آسمان است بجا آورد» (متی ۷: ۲۱). اراده خدا در کتاب مقدس برای ما ظاهر شده است. ما به وسیله کارهای نیکو نجات نیافته‌ایم، بلکه بعد از نجات مشغول کارهای نیکو خواهیم شد (تیتس ۵: ۳)، (افسیسیان ۲: ۸-۱۰).



## فصل هشتم: دو نوع خدمت مسیحی

ما می‌توانیم یا با قدرت و نیروی جسمانی خدا را خدمت کنیم یا با نیروی روحانی. خدمت جسمانی در روز داوری مسیح به وسیله آتش نابود خواهد شد (اول قرنتیان ۳: ۱۵)، ولی خدماتی که با هدایت روح القدس انجام شده باشد به وسیله آتش از بین نمی‌رود. بسیاری از مسیحیان و حتی واعظین مسیحی مشغول فعالیت‌های شدید هستند، ولی از روح هدایت نمی‌شوند. اینها به جای اینکه مفید باشند، به کار مسیح ضرر می‌رسانند و مانع پیشرفت کار او می‌گردند. ما باید به خدمت پادشاه خود مشغول باشیم، ولی چون مسیح مالک زندگی ماست او باید فعالیت‌های ما را رهبری کند. ما باید به هر جایی که او می‌فرستد برویم، باید هر چه دستور می‌دهد به انجام رسانیم، باید هر چه او می‌فرماید بگوییم. او سر بدن یعنی کلیساست (کولسیان ۱: ۱۸). تمام اعضای بدن ما به وسیله سر اداره می‌شود، وقتی سر بدن را اداره نکند ما مریض می‌شویم.

امروزه بدن مسیح در حالت بیماری بسر می‌برد، زیرا اعضا مطیع سر نیستند. من هیچگاه انتظار ندارم که دست‌هایم همیشه تکان بخورد و یا پاهایم همیشه در حال جهش باشد. اگر اینطور باشد به زودی از شدت خستگی نابود خواهم شد. من انتظار دارم که وقتی فرمانی می‌دهم دستم مطیع سر باشد. من به دستم دستور می‌دهم که نامه‌ای بنویسد و یا در دهانم خوراک بگذارد. امر مرا انجام می‌دهد. من می‌توانم راه بروم، زیرا پاهایم دستور سر را اجرا می‌کنند. وقتی تمام اعضای بدنم مطیع سر باشند من دارای بدنی سالم و قوی خواهم بود. ما هم به عنوان اعضای بدن مسیح باید به وسیله مسیح که سر ماست رهبری شویم. وقتی او توسط ما کار می‌کند چه شادی عظیمی حاصل می‌گردد. پولس رسول می‌توانست بگوید برای این نیز محنت می‌کشم و مجاهده می‌نمایم به حسب عمل او که در من به قوت عمل می‌کند (کولسیان ۱: ۲۹).

مسیحی کسی است که مسیح را دارد. ما وقتی زندگی مسیحی خواهیم داشت که اجازه دهیم مسیح در ما زندگی کند. مسیح خودش حیات و زندگی ماست. مسیح به ما تعلیم می‌دهد که باید در او زنده باشیم همانطور که خودش در پدر زنده است (یوحنا ۶: ۵۷). او چگونه در پدر زنده بود؟ هر چند او پسر خدا و با پدر یکی بود، با این حال به عنوان انسان کاملاً به پدر خود متکی بود (یوحنا ۵: ۱۸ و ۲۹). او هیچ کاری را با قدرت و یا با میل خود انجام نداد. او هر چه خدا به او امر فرمود انجام داد و برای انجام آنها قدرت الهی پدر خود را به کار برد. ما هم باید کاملاً به مسیح متکی باشیم. ما نباید کاری انجام دهیم مگر آنچه او ما را رهبری می‌فرماید و باید هر کاری را با قدرت او به انجام رسانیم (فیلیپیان ۴: ۱۳). عیسی هنگامی که آخرین تعلیمات خود را به رسولان می‌داد به آنها فرمود که باید در او بمانند و زندگی کنند. برای توضیح این مطلب خود را به تاک و شاگردان را به شاخه تشبیه کرد. همانطور که شاخه‌ها از تاک قوت و خوراک می‌گیرند، شاگردان هم باید از او قوت و خوراک بگیرند. شاخه‌ها خودشان نمی‌توانند میوه بیاورند مگر وقتی که به تاک متصل باشند. وقتی به تاک متصل باشند میوه خواهند آورد. عیسی فرمود: «جلال پدر من آشکارا می‌شود به اینکه میوه بسیار بیاورند» (یوحنا ۱۵: ۱-۱۱).

### بعضی از خدمات مسیحی

هر مسیحی باید نام مسیح را اعتراف کند. وقتی نجات پیدا می‌کنیم باید نام او را بر زبان بیاوریم و اعتراف کنیم. باید به وسیله زندگی خود و شهادت دادن درباره او نامش را اعتراف نماییم. عیسی فرمود: «پس هر که مرا پیش مردم اقرار کند من نیز در حضور پدر خود که در آسمان است او را اقرار خواهم کرد، اما هر که مرا پیش مردم انکار کند من نیز در حضور پدر خود که در آسمان است او را انکار خواهم کرد» (متی ۱۰: ۳۲ و ۳۳). پولس رسول به کلیسای روم چنین می‌نویسد: «زیرا اگر به زبان خود عیسی خداوند را اعتراف کنی و در دل خود ایمان آوری که خدا او را از مردگان برخیزانید نجات خواهی یافت، چونکه به دل ایمان آورده می‌شود برای عدالت و به زبان اعتراف می‌شود به جهت نجات» (رومیان ۱۰: ۹ و ۱۰). هر مسیحی باید شهادتی برای مسیح باشد. شاهد کسی است که آنچه می‌داند می‌گوید. لازم نیست که واعظ و کشیش باشیم و یا از دانشگاه علوم مسیحی فارغ‌التحصیل شویم تا بتوانیم درباره مسیح شهادت بدهیم. اگر ما را نجات داده و اگر می‌دانیم که گناهان ما بخشیده شده و اگر قلب‌های ما در اثر ایمان پر از آرامش و شادی است، می‌توانیم به دیگران بگوییم که مسیح چطور ما را نجات داد به وسیله شهادت ما. سایرین

به سوی مسیح خواهند آمد. آخرین کلمات مسیح وقتی بر روی زمین بود این است: «لیکن چون روح القدس بر شما می آید قوت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود در اورشلیم و تمامی یهودیه و سامره و تا اقصای جهان» (اعمال رسولان ۱: ۸).

خدا به هر یک از فرزندان خود عطایای مختلفی می بخشد ما را در هر جای بدن که صلاح بداند قرار می دهد (اول قرنیتان ۱۲: ۱۸). خیلی نادان خواهیم بود اگر به جای اینکه اجازه دهیم او ما را هدایت و رهبری فرماید به دلخواه خود کار کنیم. لازم است به دیگران هم تعلیم دهیم. این کار را می توانیم به طرق مختلف انجام دهیم. عده ای ممکن است این افتخار را داشته باشند که کتاب مقدس را به عده زیادی تعلیم دهند. دیگران شاید لازم باشد که فقط به یک نفر تعلیم دهند. اگر در کارهای کوچک امین باشیم خدا ما را به کارهای بزرگتر خواهد گماشت. عیسی به ما دستور داده که به تمام عالم برویم و انجیل را به همه بشارت بدهیم، با این حال بیش از نصف جمعیت جهان هنوز نام مسیح را نشنیده اند. هر مسیحی باید بداند که خدا می خواهد او در چه جایی بشارت دهد. همه باید دعا کنیم. اغلب ما می توانیم به وسیله کمک مالی دیگران را بفرستیم. بعضی از ما این افتخار را پیدا می کنیم که برای بشارت به خارج برویم. خدا برای هر یک از ما کاری دارد. وقتی او را خدمت می کنیم او جلال می یابد مهم نیست که ما برای او چه می کنیم، بلکه مهم این است که او توسط ما چه می کند. وقتی این حقایق را می فهمیم و در زندگی خود عملی می سازیم آرامش و شادی روح های ما را مملو می کند.

از تلاش های بی فایده خود دست برمی داریم و یاد می گیریم که با قدرت الهی او کار کنیم. به آن آرامشی که خدا برای فرزندان خود مهیا فرموده است داخل خواهیم شد (عبرانیان ۴: ۹). عیسی به جهان آمد تا ما حیات یابیم و زندگی پربرکتی داشته باشیم (یوحنا ۱۰: ۱۰). او بر روی صلیب جان داد تا بشر را با خدا مصالحه دهد (دوم قرنیتان ۵: ۱۹). او برای گناهان تمام بشر مرد (اول یوحنا ۲: ۲). او دفن شد و روز سوم از مردگان برخاست (اول قرنیتان ۱۵: ۱-۳). او اکنون خداوند حیات است. او حیات خود را به هر کسی که به او ایمان بیاورد عطا می فرماید. وقتی مسیح را قبول می کنیم زندگانی ما شروع می شود (یوحنا ۱: ۱۲ و ۱۳). حیات مسیح در ما داخل می گردد. او در ما زندگی می کند. ما در یک جهان پر آشوب صلح و آرامش خواهیم داشت. در میان غم و غصه شادمان خواهیم بود. در جهانی که پر از نفرت و دشمنی است محبت خدا قلب های ما را لبریز می سازد (رومیان ۵: ۵).

میوه روح القدس در زندگی ما ظاهر می گردد (غلاطیان ۵: ۲۲ و ۲۳). ما وسیله ای برای راهنمایی سایرین به سوی مسیح خواهیم بود. اکنون که عیسای مسیح را به عنوان نجات دهنده خود پذیرفته اید لازم است او را پادشاه و خداوند حیات خود بسازید. نظر به اینکه خدا فرزند خود عیسای مسیح را به شما بخشیده لازم است که شما بدن خود را برای خدمت به او تقدیم کنید (رومیان ۱۲: ۱ و ۱۲). آیا نمی خواهید مسیح هر لحظه و هر روز به شما حیات بدهد؟ خدا بزرگترین سازنده است، او می تواند زندگی انسان را که به وسیله گناه فاسد و ویران شده از نو بسازد (ارمیا ۱۸: ۱-۶). او بزرگترین آهنگساز است، می تواند زندگی بشر را که پر از ناسازگاری و اختلاف است پر از هماهنگی آسمانی بسازد. او بزرگترین بافنده است، او می تواند تارهای در هم پیچیده زندگی ما را بردارد و با آنها پرده زیبایی ببافد. او بزرگترین نقاش است، با وجودی که تابلوی حیات خود را ملوث و کثیف کرده ایم او می داند که چطور رنگها را به هم بیامیزد تا شاهکاری به وجود آید. عیسی بزرگترین پزشک است، او قلب های شکسته را شفا می دهد. خود را کاملاً به او تسلیم کنید، وقتی این کار را بکنید با شادی متوجه خواهید شد که طریق عادلان مثل نور مشرق است که تا نهار کامل روشنائی آن در تزیید می باشد (امثال ۴: ۱۸).